

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مطالعات فقه سیاسی

دوفصلنامه علمی - تخصصی
سال دوم، شماره سوم، بهار و تابستان ۱۴۰۱



صاحب امتیاز: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام
مدیر مسئول: آیت الله محمد جواد فاضل لنکرانی
سر دبیر: سید جواد حسینی خواه



هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

- ◆ حسین ارجینی (عضو هیأت علمی دانشگاه معارف اسلامی، دکتری علوم سیاسی)
- ◆ علیرضا اسلامیان (مدرس خارج فقه و اصول حوزه علمیه قم)
- ◆ سیدسجاد ایزدهی (مدرس خارج فقه و اصول حوزه علمیه قم)
- ◆ سید جواد حسینی خواه (مدرس سطوح عالی حوزه علمیه قم، دکتری فقه روابط بین الملل)
- ◆ قاسم شبان نیا (عضو هیأت علمی مؤسسه امام خمینی علیه السلام، دکتری علوم سیاسی)
- ◆ مجتبی عبدخدایی (عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی، دکتری روابط بین الملل)
- ◆ عباس کعبی (مدرس خارج فقه و اصول حوزه علمیه قم)
- ◆ احمد مبلغی (مدرس خارج فقه و اصول حوزه علمیه قم)
- ◆ محمد قاسمی (مدرس سطوح عالی حوزه علمیه قم، دکتری فلسفه سیاسی)

دبیر اجرایی: محمدحسن استاد میرزا

طراح جلد: حمیدرضا پورحسین

مترجمان: ابراهیم حسن (عربی) - جاوید اکبری (انگلیسی)

دبیر تحریریه: محمد قاسمی

ویراستار: محسن اکبری

صفحه آرا: محسن شریفی

مجوز انتشار نشریه **مطالعات فقه سیاسی** در زمینه فقه و علوم سیاسی (تخصصی) به زبان فارسی و ترتیب انتشار دوفصلنامه به نام مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام در تاریخ ۱۴۰۰/۲/۲۰ به شماره ثبت ۸۷۸۲۶ از سوی معاون امور مطبوعاتی و اطلاع‌رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صادر گردید.

نشانی: قم، میدان معلم، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، معاونت پژوهش، دفتر دوفصلنامه مطالعات فقه سیاسی

تلفن: ۰۲۵ - ۳۷۷۴۹۴۹۴ - دورنگار: ۰۲۵ - ۳۷۷۳۰۵۸۸

قیمت: ۴۰۰۰۰۰ ریال





Islamic Government's Special Duty in Establishing Religious Beliefs (with Emphasis on the Criminalization of Apostasy)

*Muhammad Reza Kaykha*¹

*Mujtaba Sargazi*²

*Amir Bārāni*³

Abstract

Unlike non-religious governments, which are only concerned with providing the worldly welfare of their citizens, the Islamic government, in addition to that, has the duty to provide suitable religious atmospheres. Apostasy is a sin that is indirectly criminalized in Iran's laws, and it is necessary to prevent it because it can disrupt social order, weaken the lofty status of religion, and endanger the spiritual well-being of Muslim citizens.

The decisive prevention of the holy Lawgiver from the point of view of punishment for apostasy indicates the tremendous importance of confronting this crime. However, what can be concluded from the laws of Islam and the normative conduct of the imams, in order to confront apostasy, is that preventive social and legislative methods should be used first, and finally, if no other measures work to prevent it, the apostate should be subjected to capital punishment. The present article, relying on the library and analytical method, examines the educational duty of the government in this regard, and

1. Corresponding author: doctor of jurisprudence and principles of law. (Kaykha@hamoon.usb.ac.ir)

2. Alumnus of the Islamic Seminary of Qom and PhD candidate in law, the University of Sistan and Baluchistan (Mojtaba_sargazi@yahoo.com)

3. Post graduate student of law, Shahid Mutahhari University (Alijan137210@yahoo.com)



by highlighting the causes of apostasy under four general categories, it presents eight solutions so that the Islamic government may, by applying them, reduce apostasy and the renunciation of religious beliefs.

Keywords: government, crime prevention, apostasy, apostate, discretionary punishment, government and governmental jurisprudence.



کارویژه حکومت اسلامی در تثبیت باورهای دینی (با تأکید بر جرم‌انگاری ارتداد)

محمدرضا کیخا^۱

مجتبی سرگزی^۲

امیر بارانی^۳

چکیده

بر خلاف حکومت‌های غیردینی که تنها دغدغه تأمین رفاه دنیایی شهروندان خود را دارند، حکومت اسلامی علاوه بر آن، وظیفه دارد شرایط مناسب برای دین‌داری را نیز تأمین نماید. ارتداد، منکری است که غیرمستقیم در قوانین ایران جرم‌انگاری شده است و ضرورت پیشگیری از آن، بدین جهت است که می‌تواند نظم اجتماعی را مختل سازد و جایگاه والای دین را تضعیف نماید و سعادت شهروندان اسلامی را از حیث روحی به خطر بیندازد.

پیشگیری قاطعانه شارع مقدّس از منظر کیفر در قبال ارتداد، حکایت از اهمیت بالای مقابله با این جرم دارد؛ ولی مستفاد از روح حاکم بر قوانین اسلام و سیره ائمه اطهار علیهم‌السلام در جهت تقابل با مقوله ارتداد، این مطلب است که ابتدا از روش‌های پیشگیرانه وضعی و اجتماعی استفاده گردد و در نهایت با پیشگیری کیفری اتمام حجت شود؛ مقاله حاضر با تکیه بر روش کتابخانه‌ای و تحلیلی به بررسی وظیفه تربیتی حکومت در این راستا و نیز جنبه‌های پیشگیرانه اجتماعی پرداخته و با احصاء علل ارتداد در چهار دسته کلی، راه‌کارهایی هشت‌گانه ارائه نموده تا حکومت اسلامی با به‌کار بستن آن، بتواند موجبات کاهش دین‌گریزی و جرم ارتداد را فراهم آورد.

واژگان کلیدی: حکومت، پیشگیری از جرم، ارتداد، مرتد، تعزیر، دولت و فقه حکومتی.

۱. نویسنده مسئول: دکتری فقه و مبانی حقوق؛ Kaykha@hamoon.usb.ac.ir

۲. دانش‌آموخته حوزه علمیه و دانشجوی دکتری حقوق دانشگاه سیستان و بلوچستان؛ Mojtaba_sargazi@yahoo.com

۳. فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد حقوق خصوصی از دانشگاه شهید مطهری؛ Alijan137210@yahoo.com



مقدمه

یکی از مشکلاتی که تقریباً در تمام ادیان الهی و حکومت‌های دینی به چشم می‌خورد، گرایش برخی از پیروان آن به کفر یا ادیان مردود است. در دین مبین اسلام نیز با ارتداد در حوزه کیفی به شدت برخورد شده است. مجازات ارتداد به دلیل ابراز یک اعتقاد قلبی است که برای جامعه دینی مضر است و از آنجا که این ابراز عقیده از طریق منطقی صورت نگرفته با نظم و اخلاق عمومی منافات دارد. (سیدهاشمی، ۱۳۸۴، ۴۲)

ارتداد، ارتباطی با آزادی عقیده ندارد؛ بلکه این مسأله با حیات جمعی مسلمانان و مدیریت حکومت اسلامی پیوند دارد و به دلیل مقابله با دشمنانی است که ادعای مسلمانی دارند. (ماوردینی، ۲۰۰۲، ۱۵۵)

شهید مطهری در این باره چنین می‌نگارد: «اسلام، یک مطلب را از آن بشریت می‌داند. اسلام هر جا که توحید به خطر بیفتد، برای نجات توحید می‌کوشد؛ چون توحید عزیزترین حقیقت انسانی است. اگر کسی از جان خودش دفاع بکند، آیا این دفاع را صحیح می‌دانید یا غلط؟ هم‌چنین اگر ناموس کسی مورد تجاوز واقع شد، باید دفاع بکند؟ اگر مال و ثروت کسی مورد تجاوز قرار گرفت، باید دفاع بکند؟ اگر سرزمین مردمی مورد تجاوز واقع شد، باید دفاع بکنند؟ تا این‌جا کسی بحث ندارد. اگر کسی برای دفاع از علم بجنگد، چطور؟ همین‌طور است. برای نجات صلح بجنگد، چطور؟ همین‌طور است. توحید حقیقتی است که مال من و شما نیست. مال بشریت است؛ ولی معنایش این نیست که می‌خواهد به زور توحید را وارد قلب مردم کند؛ بلکه عواملی را که سبب شده است توحید از بین برود، از بین می‌برد. آن عوامل که از بین رفت، فطرت انسانی به سوی توحید گرایش پیدا می‌کند؛ مثلاً وقتی تفالید، تلقینات، بت‌خانه‌ها و بت‌کده‌ها و چیزهایی را که وجود آنها سبب می‌شود انسان اصلاً در توحید فکر نکند، از بین رود، فکر مردم آزاد می‌شود. همان کاری که حضرت ابراهیم علیه السلام انجام داد.» (مطهری، ۱۳۷۷، ۲۴۹). بنابراین مقابله با ارتداد از اهمیت بالایی برخوردار است. به همین جهت، این جستار به بررسی وظیفه تربیتی حکومت در جهت پیشگیری از جرم ارتداد پرداخته است.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. مفهوم پیشگیری از جرم و انواع آن

پیشگیری در لغت به معنای جلوگیری و دفع بوده است. (معین، ۱۳۸۱، ۹۳۳) در حقیقت، اگر از هر امر ناخوشایندی پیشگیری شود، دیگر اتفاق بدی نخواهد افتاد؛ بنابراین پیشگیری، بهتر از



درمان است. یعنی باید یک گام از امور ناخوشایند جلوتر بود و در مقابل آن مانعی ایجاد نمود. پیشگیری از جرم، مقابله مطلق با جرم نیست؛ بلکه مقابله‌ای است حساب‌شده که ریشه‌های جرم را در نظر می‌گیرد و در نهایت، راهکار مناسب با آن را ارائه می‌نماید. شناخت علل جرم، جرم‌شناسان، قانون‌نویسان، روان‌شناسان، جامعه‌شناسان و در نهایت، حکومت‌داران را کمک می‌کند که به طرز صحیح، وقوع جرایم را کاهش دهند.

امروزه پیشگیری از جرم، اهمّیت بالایی پیدا کرده و حکومت‌ها را به این سمت کشانده که بیش از اندیشیدن به مجازات مجرمان، به فکر جلوگیری از تحقق جرم و کاهش مجرم باشند؛ زیرا پیشگیری مؤثرتر و کم‌هزینه‌تر از مجازات است. اغلب ساختارهای حقوقی متوجه این موضوع بوده و سیاست‌های خویش را مبتنی بر ایجاد عوامل و بستریهای پیشگیرانه جرم و اصلاح بزهکاران جهت عدم تکرار جرم، مصروف داشته‌اند. در ایران نیز قوانینی در همین راستا تصویب شده که تحت عنوان قانون پیشگیری از وقوع جرم شهرت دارد. ماده اول قانون مذکور، در تعریف پیشگیری از جرم می‌گوید:

«پیشگیری از وقوع جرم عبارت است از پیش‌بینی، شناسایی و ارزیابی خطر وقوع جرم و اتخاذ تدابیر و اقدامات لازم برای از میان‌بردن یا کاهش آن.» این تعریف ناظر به قبل از وقوع جرم است؛ یعنی باید از طرف نهادهای مسئول (از خانواده تا حکومت) تدابیری سنجیده شود تا احتمال گرایش به جرم و بزهکاری تا حدّ ممکن کاهش یابد و این تدابیر می‌تواند به صورت مستقیم یا غیر مستقیم بر این امر، اثر داشته باشد.» (صادق‌پور، ۱۳۹۸، ۹)

طبق بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی، اقدامات لازم جهت پیشگیری از وقوع جرم بر عهده قوه قضاییه نهاده شده است. البته هر عقل سلیمی می‌داند که مقوله پیشگیری از جرم تنها به یک قوه باز نمی‌گردد و نیازمند اهتمام تمام قوای حکومتی است که در قانون پیشگیری از وقوع جرم، شورایی تحت عنوان شورای عالی پیشگیری از وقوع جرم، وظیفه سیاست‌گذاری در این زمینه را بر عهده دارد. جرم‌شناسان از بین انواع پیشگیری، دو نوع آن را احصاء نموده‌اند که در ذیل بدان می‌پردازیم.

پیشگیری وضعی (situational prevention) مجموعه‌ای از اقدامات است که با محوریت اشکال خاصی از جرم و با اتخاذ تدابیری از قبیل مدیریت، طراحی یا مداخله فوری در محیط به صورت هدفمند و همیشگی اجرا می‌شوند، به‌گونه‌ای که تا حدّ ممکن، موقعیت‌ها و فرصت‌های جرم را کاهش داده و خطرات آن را که توسط طیف وسیعی از بزهکاران ملموس و



عینی است، افزایش می‌دهد. به تعبیری، پیشگیری وضعی از جرم، به دنبال کاهش فرصت‌ها برای گروه‌های خاصی از جرایم همراه با افزایش خطرات و مشکلات ارتکاب چنین جرایمی و کاهش سود ناشی از آن است. (بابایی و نجیبیان، ۱۳۹۰، ۱۴۹)

پیشگیری اجتماعی (Social prevention) گونه‌ای از تدابیر پیشگیرانه است که با مداخله دولت (نظام سیاسی، اقتصادی و فرهنگی) در محیط زندگی اجتماعی عمومی افراد و اهتمام به علل زیربنایی جرم و آسیب‌های اجتماعی، بستر زیستن توأم با کرامت شهروندان را از رهگذر پاسداشت حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آنان فراهم می‌آورد. به دیگر سخن، پیشگیری اجتماعی، فعالیت‌هایی را در بر می‌گیرد که به منظور کاهش بیکاری، آموزش و پرورش ناکارآمد، فقر آسیب‌های اجتماعی مشابه، علل بنیادین ایجاد رفتار منحرفانه را مورد توجه قرار می‌دهند. (قماش و عارفی، ۱۳۹۶، ۸۶)

۱-۲. ارتداد

ارتداد در لغت به معنای بازگشتن، مصدر باب افتعال از ماده (رود) به معنای بازگرداندن می‌باشد. (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴، ۴۵۰) و در اصطلاح فقهی، ارتداد، خروج از دین توسط شخصی است که آگاهانه و با اختیار دین اسلام را پذیرفته و با انجام کاری یا بیان قول و گفتاری صریح که بیانگر خروج وی از دین اسلام باشد، از پذیرفتن دین اسلام برگشته و از فطرت یا انتخاب قبلی خود رجوع کرده باشد. آنچه سبب این امر می‌شود، کفر و کافر شدن شخص نسبت به استمرار در پذیرفتن دین اسلام است و آنچه موجب کفر می‌شود، انکار چیزی است که در حدّ ضروریات دین اسلام باشد و ضروری دین نیز چیزی است که جزء دین بودن آن نیاز به استدلال و دقت نداشته باشد، همانند نماز، زکات و حج. (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۴، ۲۱۳)

در عتّ این نام‌گذاری آمده است: مرتدّ ملّی چون در حقیقت به ملّت و کیش قبلی خود برگشته و مرتدّ فطری چون از دین فطری و فطرت پاک توحیدی برگشته است و این نام‌گذاری، یک اصطلاح شرعی است و یا حدّ اقلّ اصطلاحی است که در عرف متشرّعه پیدا شده است. (طباطبایی، ۱۳۷۸، ۶۲۳)

همه مذاهب فقهی اسلامی ارتداد را جرم دانسته‌اند؛ چون ارتداد را یک نوع پیمان‌شکنی به حساب آورده‌اند؛ زیرا هنگامی که فرد مسلمان می‌شود، با خدای خود پیمان می‌بندد که به توحید، نبوّت، معاد و ضروریات دین، معتقد و پایبند باشد، ولی وقتی که مرتدّ می‌شود، پیمان‌شکنی می‌کند



و آنچه را که قبلاً به آن ملتزم و متعهد شده زیر پا می‌گذارد. بنابراین جا دارد که کیفر و مجازات ببیند. از طرفی همه مذاهب اسلامی مواردی را برای تحقق ارتداد و نقض تابعیت اسلامی شرط دانسته‌اند، هرچند که در پاره‌ای از این موارد، با هم اختلاف نظر دارند. (رسایی، ۱۳۹۲، ۱۶۳)

در قرآن کریم به صورت مستقیم و غیرمستقیم، دوازده آیه (۲۱۷ بقره، ۷۲، ۸۶ و ۱۰۰ آل عمران، ۲۱، ۲۲ و ۵۴ مائده، ۱۳۷ و ۱۳۸ نساء، ۷۶ توبه، ۱۰۶ نحل و ۲۵ محمد) به ارتداد اختصاص دارد. فقها با استناد به روایات صحیح که خدشه‌ای در سند و صدور آن روایات از اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام وارد نیست، در این مسأله، اتفاق نظر دارند. (اردبیلی، ۱۴۱۳، ۸۳۶)

موجبات ارتداد عبارت‌اند از:

انکار اصل دین؛ همانند انکار وجود خدا و وحدانیت او یا انکار رسالت حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم.
انکاریکی از احکام ضروری دین؛ همانند انکار وجوب نماز یا روزه.
انکاریکی از احکام قطعی ولی غیر ضروری اسلام؛ همانند اینکه کسی بداند روزه در عید فطر حرام است؛ ولی با این وجود، منکر آن شود. (نجفی، ۱۴۰۴، ۴۹)

در قوانین جمهوری اسلامی ایران، نص صریحی در راستای جرم‌انگاری ارتداد وجود ندارد. قانون‌گذار مدعی است که قوانین جمهوری اسلامی بر اساس شریعت اسلام تدوین شده یا نهایتاً با آموزه‌های اسلام منافاتی ندارد. (نک: اصل چهارم قانون اساسی)

بنابراین نبود قانونی برای جرم‌انگاری جرم ارتداد که از مسلمات فقهی است یک نقص محسوب می‌شود؛ ولی شاید غرضی در کار بوده که قانون‌گذار سعی نموده است آن را به صورت شفاف جرم‌انگاری ننماید؛ به‌طور مثال، فشار جوامع بین‌المللی. بنابراین در قانون اساسی ایران اصل ۱۶۷ مصوب شد که اگر سهواً یا عمداً جرمی، به‌صورت صریح در قانون جرم‌انگاری نشده بود، امکان رجوع به متون فقهی وجود داشته باشد. ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز بر این اصل در جرایم حدی تأکید دارد. در نتیجه ارتداد در نظام حقوقی ایران، جرم است و عنصر قانونی آن طبق اصل ۱۶۷ قانون اساسی موجود است و لذا حکم جرم ارتداد را باید از فتاوی فقها و منابع فقهی استخراج نمود.

عنصر مادی، یعنی عنصر خارجی، ملموس و محسوس که به سبب آن، ارتداد عینیت می‌یابد. به عبارت دیگر، اظهار موجبات ارتداد، عنصر مادی این پدیده به شمار می‌آید. از نظر فقهی، در مجموع، سه نوع ارتداد قابل فرض است: تحقق ارتداد با نیت و عزم صرف، ارتداد قولی و ارتداد فعلی. (محقق داماد، ۱۳۷۵: ۴۴۳)



ارتداد، با انکار قلبی حاصل می‌شود و چنین فردی مستحقّ خشم و کیفر الهی می‌شود؛ ولی آنچه باعث جرم شده و مجازات دنیوی بر آن مترتب می‌گردد، ارتدادی است که با گفتار یا رفتار اظهار شود، مانند سخنرانی، نوشتن کتاب، مقاله و... ارتداد تا وقتی ابراز نشود، جرم حقوقی نیست و کسی حقّ تحقیق و تفحص و تفتیش عقاید ندارد. افزون بر این، اگر مسلمانی اظهار کفر کند و پس از آن مدّعی شود تحت فشار یا اکراه به چنین کاری مبادرت ورزیده است؛ چنانچه احتمال آن وجود داشته باشد، ادّعایش پذیرفته می‌شود. (موسوی اردبیلی، ۱۴۱۳، ۸۵۹)

عنصر روانی ارتداد را آیات و روایات نشان می‌دهد که خود ارتداد، یعنی صرف تغییر دین و عقیده، موضوع حکم است، نه همراه شدن آن با جرایم دیگر. هرگاه تغییر دین و عقیده از اسلام به کفر، از قلمرو قلبی خارج نشود، فقط جرم شرعی است؛ اما هرگاه ابراز گردد و اثبات گردد، جرم قانونی نیز تلقی می‌شود. آنچه که از دقت در برخی آیات استنباط می‌شود این است که ارتداد به عنوان یک جریان فتنه‌انگیزی برای ایجاد تزلزل در باورهای دینی مسلمانان از سوی دشمنان داخلی و خارجی مطرح بود. ارتداد نه به عنوان یک جرم سیاسی، بلکه یک جرم امنیتی، یعنی اقدام علیه امنیت جامعه اسلامی، موضوع مجازات است.

بنابراین، ارتداد به عنوان اخلال در نظم و امنیت عمومی، ایجاد تردید در باورهای دینی و فتنه‌انگیزی علیه وحدت و انسجام جامعه اسلامی جرم شمرده می‌شود، نه به عنوان یک جرم سیاسی و اقدام علیه نظام حاکم. (حسینی، ۱۳۸۲، ۵۵)

۲. ضرورت پیشگیری از جرم ارتداد توسط حکومت و کیفیت آن

حکم سنگین ارتداد به جهت به‌بازی‌نگرفتن مسأله مهم دین است. دین برنامه‌ای است که سعادت دنیوی و اخروی انسان‌ها را دنبال می‌کند. اگر بنا باشد مضحکه دست کفار و معاندان قرار بگیرد، بی‌شک اهداف الهی از خلقت انسان نقض می‌گردد و عامّه مردم که قدرت تحلیل چندانی ندارند در این آشفته‌بازار، دچار سوء عاقبت می‌شوند. از طرفی دیگر می‌توان گفت که علت دیگر حکم سنگین ارتداد، این است که همه مسلمانان دین خود را از روی تحقیق بپذیرند، نه از روی تقلید کورکورانه که با کوچکترین شبهه دچار تزلزل شوند.

همان‌طور که گفته شد ارتداد جرمی امنیتی است؛ بنابراین حکومت اسلامی علاوه بر

۱. برخی از اهل سنت علت جرم‌انگاری ارتداد را به جهت همراهی آن با جرمی دیگر، مثل محاربه می‌دانند و استدلالشان نیز به برخی از فرازهای تاریخی است، همانند پذیرش شفاعت عثمان بن عفان و جنگ‌های رده.



رسیدگی و تلاش در راستای تأمین رفاه و سلامت شهروندان و حفظ جان آنان، موظف است زمینه و بستر مناسب برای رشد معنوی و روحی را برای شهروندان خویش فراهم آورد. همان‌گونه که دولت در صورت مشاهده یک رستوران غیربهداشتی آن را پلمپ می‌کند یا با افرادی که داروهای تاریخ‌گذشته را می‌فروشند با شدت برخورد می‌کند، وظیفه دارد با افراد و نهادهایی که به صورت سازمان‌یافته به دنبال اغواء شهروندان هستند برخورد قاطع داشته باشد و زمینه‌های فساد روحی را نیز زایل نماید. در حقیقت می‌توان گفت که اصلی‌ترین وظیفه حکومت اسلامی، دنبال کردن آن چیزی است که اسلام، آن را هدف و غایت خویش قرار داده است و آن چیزی نیست جزء اجرای دستورات اسلام و سعادت همه‌بُعدی انسان‌ها.

طبق تحلیل قرآن کریم، انسان دارای سرشتی خداجو است و طبق فطرت خود به بدی و انحراف علاقه‌ای ندارد.^۱ فطرت انسان از خیر، خوبی، امنیت و آزادی معنوی استقبال می‌کند. بنابراین مسئولیت مهم حکومت دینی است که شرایطی را به منظور سلامت دینی جامعه فراهم کند؛ به عبارت دیگر، نخستین وظیفه حکومت پیش از آن که بخواهد به ظواهر دینی اهتمام ورزد و احیاناً به اصلاح مردم فاسد پردازد، این است که در شکل کلان، جامعه را در روند سالمی قرار دهد و زمینه‌های فساد و انحراف را از میان بردارد. بنابراین، مسئولیت مهم حکومت‌های دینی که متمایز از هر حکومتی می‌تواند باشد، باز کردن راه فطرت و آماده‌کردن جامعه برای حرکت به سوی تکامل است. بخش مهمی از این وظیفه به از بین بردن فقر، فاصله طبقاتی، ایجاد امنیت و برقراری عدالت بر می‌گردد و بخشی به آزادی اندیشه و توانمند کردن ذهنیت جامعه و مصونیت‌سازی آنان در برابر گرایش‌های مختلف اختصاص دارد. امیرمؤمنان علی علیه السلام در توصیف فلسفه نبوت و کار سترگ پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «لَيْسَتْ أَدْوَاهُ مِمَّا قَفِطَرْتَهُ وَ يُذَكِّرُهُمْ مَنْسِيَةً نِعْمَتِهِ وَيَحْتَجُّوا عَلَيْهِمْ بِالتَّبْلِيغِ وَيُنِيرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ.» (شریف‌الرضی، ۱۳۹۶، ۴۳)

لذا حکومت دینی بیشترین هم خود را معطوف به رفع موانع می‌سازد و با برنامه‌ریزی و هدایت، شرایط گرایش مردم را به حق فراهم می‌کند. نیازی نیست که حکومت کسی را اجبار کند، کافی است عوامل انحراف، مانند فقر، بی‌عدالتی، ناامنی و تهدیدهای مخالفان را بردارد و با ایجاد فضایی سالم و آزاد، زمینه تبادل افکار را فراهم کند. (ابازی، ۱۳۹۶، ۵۶)

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله به عنوان رییس حکومت اسلامی در مقابله با افرادی که موجب

۱. قرآن کریم می‌فرماید: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ» (تین: ۴) و در جای دیگر می‌فرماید: «وَ إِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ» (عادیات: ۸) و «فَطَرَتِ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» (روم: ۳۰).



سست شدن دین مردم می‌شوند چنین می‌فرمایند: «از اهل تشکیک و بدعت که پس از من می‌آیند آشکارا بیزاری جوید و فراوان آنان را سبّ کنید و با بیان انحراف‌های آنان، بترسانیدشان تا به فساد در دین طمع نوزند و مردم از آنان دوری جویند و بدعت‌هایشان را فرا نگیرند. خدا با این کارها برای شما حسنات می‌نویسد و درجاتتان را در آخرت بالا می‌برد.» (کلینی، ۱۴۰۷، ۲، ۳۷۵)

امیر مؤمنان علیه السلام در خطبه سی و چهارم نهج البلاغه، خطاب به مردم در جهت بیان حقوق مردم بر حاکم جامعه اسلامی می‌فرمایند: «اما حق شما بر من این است که خیرخواه شما باشم، و غنیمت شما را به نحو کامل به شما بپردازم و شما را تعلیم دهم تا جاهل نمانید و مؤدب به آداب نمایم تا بیاموزید.» (شریف الرضی، ۱۴۱۴، ۷۹) در جایی دیگر به صراحت به آموزش امور دینی اشاره می‌نمایند: «امام (و حاکم اسلامی) موظف است حدود معارف اسلامی و ایمانی را به افراد تحت حکومتش آموزش دهد.» (تمیمی، ۱۴۱۰، ۴۵۳)

بدین ترتیب یکی از وظایف حکومت در قبال شهروندان، ارایه آموزش‌های صحیح برای سعادت دنیا و آخرت آنان و نیز مقابله با هر امری که موجب تضعیف اراده شهروندان در تلاش برای سعادت می‌شود، است. تفاوت حکومت اسلامی با حکومت‌های دیگر در همین جاست. حکومت‌های غیراسلامی صرفاً به دنبال رفاه دنیایی شهروندان خویش هستند و کاری به امور اخروی آنان ندارند و دین را یک امر شخصی می‌دانند و حتی آن را مانع پیشرفت‌های علمی و رفاه دنیوی می‌دانند. از این رو مبارزه و پیشگیری از جرم ارتداد از وظایفی است که حکومت اسلامی موظف است آن را به نحو شایسته انجام دهد. در غیر این صورت، چگونه ممکن است حکومتی ادعا داشته باشد که می‌خواهد سعادت دنیا و آخرت شهروندان خویش را تأمین کند، ولی از آن طرف، راه را برای انحراف و اغوای ساده‌لوحان و عوام مردم توسط معاندان باز بگذارد؟

اگر در پیشگیری، کوشش و تلاش به عمل نیاید، این امکان وجود دارد که انحراف در جامعه ریشه‌دار شده و توسعه پیدا کند و بعدها به سادگی نتوان جلوی آن را گرفت. از لحاظ اقتصادی، میزان هزینه‌هایی که برای درمان و ریشه‌کن کردن انحرافی لازم است ده برابر میزان سرمایه‌گذاری در اصلاح است. در نظام حیات اجتماعی اسلام، پیشگیری مقدم بر اصلاح است. (قائمی، ۱۳۶۶، ۲۴۸)

با توجه به ماهیت جرم ارتداد که ریشه در افکار انسان دارد و در حقیقت تغییر عقیده او در یک تحوّل فکری صورت گرفته است، پیشگیری مناسب با این جرم باید در راستای تغییر فکر



صورت پذیرد؛ یعنی فرد مسلمان از لحاظ فکری آن‌چنان توجیه باشد و عقیده‌اش راسخ گردد که با شبهه‌پراکنی دشمنان اسلام، دچار تزلزل نگردد.

آنچه تاکنون برای محققان درباره پیشگیری از جرم ارتداد تبلور داشته، پیشگیری کیفری این جرم بوده، سنگین‌ترین کیفر، یعنی اعدام برای ارتداد لحاظ شده است.^۱ این نوع پیشگیری در راستای حفظ نظم عمومی و اهداف عالی حکومت اسلامی؛ یعنی پیاده‌سازی دستورات دینی و سعادت همه‌جانبه شهروندان است. به همین سبب، اصل تناسب جرم و مجازات با تحلیل مذکور، صورت یافته است.

ولی رویکرد عقلانی^۲ و اخلاق‌مدار^۳ اسلام این‌طور نیست که در مقابله با یک جرم، صرفاً و در ابتدا با پیشگیری کیفری ورود نماید و از جرم‌انگاری - که آخرین راه برای حلّ معضلات است - استفاده نماید؛ بلکه هدف اصلی اسلام این است که شهروند حکومت اسلامی شخصاً به بلوغی فکری دست یابد که خودخواسته از جرم و انحراف دوری نماید. کتاب شریف قرآن نیز با در نظر گرفتن اصل کمینه‌گرایی جرایم (در راستای جلوگیری از تورّم حقوق کیفری)، تعداد کمی از جرایم را جرم‌انگاری نموده و همواره سعی نموده با تأکید بر تقوا، مکلفان را از گناه و بزه دور نگاه دارد. سیره معصومان علیهم‌السلام نیز موید همین رویه است؛ ایشان تا جایی که ممکن است با مخاطبان خود مدارا می‌نمودند و سخت‌ترین شرایط را به جان می‌خریدند تا حتی یک نفر را هدایت نمایند. بنابراین با توجه به این رویه، در اسلام پیشگیری غیرکیفری بر پیشگیری کیفری مقدم است.

بی‌تردید پیشگیری وضعی در مقابله با جرم ارتداد کاربرد دارد؛ به‌طور مثال، جلوگیری از انتشار کتب ضالّه یا فیلتر کردن سایت‌های مروج فرق ضالّه، از جمله عواملی است که می‌تواند مانع از گرایش مسلمانان به ادیان و فرق دیگر شود؛ ولی مسأله قابل ملاحظه این است که با توجه به این‌که در حال حاضر، ردّ و بدل شدن اطلاعات در فضای مجازی به قدری گسترش یافته و از مدیریت حکومت خارج شده است، امکان پیشگیری به صورت وضعی به حدّ اقلّ رسیده است.

با این توضیحات می‌توان نتیجه گرفت که بهترین نوع پیشگیری در قبال جرم ارتداد، پیشگیری اجتماعی است؛ یعنی پیشگیری به نحوی که مبتنی بر امور آموزشی، پرورشی و

۱. البته شرایطی برای توبه مرتد ملی یا توبه زنان در فطری و ملی نهاده شده است که امکان رفع حکم اعدام وجود دارد اما در هر صورت حکم اولیه اعدام است.

۲. *يُنَبِّئُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ* (شریف الرضی، ۱۴۱۴، ۴۳).

۳. *إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ* (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۱۰).



فرهنگی است. ارتداد، نتیجه تغییر تفکر است؛ یعنی شخص مرتد فکرش درباره حق بودن دین اسلام برگشته است. بنابراین، اگر حکومت اسلامی می‌خواهد در جهت سعادت شهروندان خویش، با دین‌گریزی و تغییر دین مقابله نماید، باید در حوزه فکری، آنان را رشد دهد و راهکارهای پیشگیرانه خویش را متمرکز بر این حوزه نماید.

نکته قابل توجه این است که در حقیقت، تدابیر پیشگیرانه برای یک مرحله قبل از جرم ارتداد است؛ زیرا بیان شد که جرم ارتداد، زمانی شکل می‌گیرد که تغییر عقیده بروز بیرونی پیدا کند. بنابراین اقدامات پیشگیرانه در حقیقت برای جلوگیری از تغییر نگرش و عقیده است که منجر به عدم بروز جرم ارتداد می‌شود.

۳. علل ارتداد

یافتن علل برگشت از دین اسلام، می‌تواند حکومت اسلامی را در تصمیمات اتخاذی در راستای پیشگیری اجتماعی از جرم ارتداد، کمک نماید. به همین جهت اگر بناست اقدامی از طرف حکومت در جهت مقابله با ارتداد صورت پذیرد، با آسیب‌شناسی دقیق، شناخت مشکل، عزم همگانی بر رفع آن، احصاء تمام راهکارها، انتخاب راهکارهای مبنایی با در نظر گرفتن هزینه و فایده آن، انتخاب مجریان شایسته و در نهایت ارزیابی مستمر و نهایی انجام شود.

در اینجا به طور کوتاه، به علل اسلام‌گریزی و ارتداد اشاره می‌شود؛ البته شایان ذکر است که فرد مرتد ممکن است بر اثر یکی از این علل یا چند علت توأمان تصمیم به بازگشت از اسلام گیرد. به طور کلی این علل را می‌توان در چهار دسته کلی تقسیم نمود. لازم به ذکر است که برخی از این عوامل چندبُعدی است و می‌تواند در دسته‌های دیگر نیز قرار گیرد؛ بنابراین بُعد مهم آن مد نظر قرار گرفته است:

۳-۱. جهل مرتد و اغواگری معاندین

مهمترین علت در اسلام‌گریزی افراد، عدم آگاهی آنان از آموزه‌های اسلامی است. غالب افرادی که در جامعه اسلامی زندگی می‌کنند اطلاعات دینی آنان بسیار سطحی و شکننده است که تحمّل شبهات اغواگران و معاندان را ندارد. این گونه افراد به دلیل عدم ارتباط با متخصصان اسلامی، شبهات وارده را صحیح دانسته و دین اسلام را دارای نقص می‌پندارند. دشمنان اسلام نیز از این ضعف مسلمانان استفاده نموده و با تشکیک و اغواگری علیه باورهای آنان، موجبات سست شدن اعتقادات آنان را فراهم می‌آورند. وقتی شبهه‌ای در ذهن وارد می‌شود اگر درمان



نشود، تبدیل به یک غده چرکین می‌شود و آهسته آهسته باور به اسلام را در او می‌کشد. مولا در موضعی می‌فرماید: «هیچ مذهبی با نادانی پاکیزه نمی‌شود»؛ یعنی هرگاه کسی جاهل و نادان باشد بر هر مذهبی که باشد و به هر راهی که رود، مذهب و راه او پاکیزه نباشد؛ راه پاکیزه راهی است که با علم و دانش باشد. (خوانساری، ۱۳۶۶، ۶، ۳۶۴)

از دیگر علل گریزانی از اسلام، وجود گروه‌های افراطی در دین است. دشمن با برجسته کردن این گروه‌ها و پوشش رسانه‌ای همه‌جانبه از انحرافات آنان، طوری وانمود می‌کند که همه مسلمانان بر این نمطانند.

۳-۲. مشکلات ناشی از اسلام‌گرایی

مشکلات این دسته را می‌توان به دو قسمت تقسیم نمود؛ یکی مشکلات ناشی از فهم نادرست از اسلام و دیگری مشکلات ناشی از عملکرد ناصحیح منتسبان به دین.

۳-۲-۱. مشکلات ناشی از فهم نادرست از اسلام

یکی از علل فرار از اسلام و گرایش به ادیان دیگر، تکالیف دست و پاگیری است که با قبول اسلام، مکلف به رعایت آن می‌شوند. برای کسب درآمد بیشتر دوست دارد ربا بگیرد؛ می‌خواهد با هر زنی که خواست رابطه جنسی داشته باشد بدون اینکه زیر بار مسئولیت ازدواج برود؛ لذا بی‌مسئولیتی، تبلی و علاقه به بی‌بندوباری از عللی است که موجب گرایش آنان به فرق و ادیان انحرافی است که این‌گونه مسایل در آنها وجود ندارد و دست و پای آنان را برای شهوترانی (اعم از شهوت جنسی و غیر جنسی) باز می‌گذارد.

میل به خوش‌گذرانی، تبلی و بی‌بندوباری سبب می‌شود که آدمی از زیر بار مسئولیت شانه خالی کند و خود را از قید و بند انجام دستورات دینی و تکالیف آن رها سازد. (شکوهی، ۱۳۸۴، ۲۵۲)

در آیه شریفه نیز چنین آمده است: «بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ» او می‌خواهد آزاد باشد و هر گناهی را انجام دهد. (قیامت: ۵)

شهید مطهری نیز یکی از علل انزجار از دین را گرایش به شهوت می‌داند: «یکی از چیزهایی که موجب اعراض و تنفر مردم از خدا و دین و همه معنویت می‌شود، آلوده بودن محیط و غرق شدن افراد در شهوت‌پرستی و هواپرستی است. محیط آلوده همواره موجبات تحریک شهوات و تن‌پروری و حیوان‌صفتی را فراهم می‌کند... لذا اقوام و ملت‌هایی که تصمیم می‌گیرند روح مذهب و اخلاق و شهادت و شجاعت و مردانگی را در ملتی دیگر بکشند، وسایل عیاشی



و شهوت‌رانی و سرگرمی‌های نفسانی آنها را فراهم و تکمیل می‌کنند.» (مطهری، ۱۳۸۳، ۱۰۸) از دیگر عوامل اسلام‌گریزی، ورود خرافات و دروغ و همچنین برداشت‌های غلط^۱ از آموزه‌های اسلام است. این کار معمولاً توسط جاهلان مقدس‌نما صورت می‌گیرد. شهید مطهری در این باره می‌گوید:

«بسیاری از افراد، تحت تأثیر تلقینات پدران و مادران جاهل یا مبلغان بی‌سواد، افکار غلطی در زمینه مذهبی در ذهن‌شان رسوخ کرده است و همان افکار غلط، اثر سوء بخشیده و آنها را درباره دین و مذهب دچار تردید و احیاناً انکار کرده است. (همان)

بدیهی است هنگامی که مفهوم زهد، ترک وسایل معاش و ترک موقعیت اجتماعی و انزوا و اعراض از انسان‌های دیگر باشد؛ مادامی که غریزه جنسی پلید شناخته شود و منزّه‌ترین افراد کسی باشد که در همه عمر مجرّد زیسته است؛ زمانی که علم، دشمن دین معرفی شود و علما و دانشمندان به نام دین در آتش افکنده شوند و یا سرهاشان زیر گیوتین برود، مسلماً و قطعاً مردم به دین بدبین خواهند شد. (همان، ۴۰۵)

۲-۳. مشکلات ناشی از عملکرد ناصحیح منتسبان به دین

از جمله امور مهمی که باعث اسلام‌گریزی شهروندان اسلامی از دین اسلام می‌شود، انحراف سردمداران حکومت از آموزه‌های اسلامی است. مردم فقط در کلام آنان، حرف‌های خوب را می‌شنوند و در عمل، خلاف آن دیده می‌شود. همیشه در حکومت اسلامی مردم به بالادستی خود نگاه می‌کنند؛ اگر اهل ساده‌زیستی و دیانت باشد، آنان نیز در مشکلات به او تأسی می‌کنند، ولی اگر به مردم بگوید تجمل‌گرا نباشید؛ دزدی و اختلاس نکنید؛ ولی در عمل، خودش تمام این کارها را انجام دهد، شهروندان این جامعه نه تنها از آنها بلکه از اسلام زده می‌شوند و می‌گویند که اگر این اسلام اثر داشت، ابتدا بر خودشان اثر می‌گذاشت. لذا آموزه‌های آن را کاربردی نمی‌دانند و جرّقه خروج از دین زده می‌شود. امیرمؤمنان علی علیه السلام در اشاره دقیق در مورد انحراف عالم دینی چنین می‌فرماید: لغزش عالم چون شکسته شدن کشتی است که غرق می‌شود و گروهی را نیز با خود هلاک می‌کند. (خوانساری، ۱۳۶۶، ۴، ۱۱۰)

همان‌گونه که صلاح رهبران دین، موجب صلاح مردم و از علل رشد دین و گرایش مردم به دین و ارزش‌هاست، فساد رهبران دینی و عالمان و روحانیون نیز موجب انحراف مردم و

۱. تفسیر به رأی در جهت حفظ منافع فردی یا با تصور این که منافع اسلام با آن تأمین می‌شود.



دین‌گریزی آنان خواهد شد؛ زیرا وقتی مردم ببینند مدعیان رهبری دینی به گفتار خویش ایمان ندارند و برخلاف دستورات دین و شریعت عمل می‌کنند و یا مرتبی و معلّم اخلاق و کسی که دم از دین و شریعت می‌زند، کردارش با گفتارش هم‌خوانی ندارد؛ در صداقت دعوت و فایده نصیحتش به شك می‌افتد تا جایی که ممکن است در انجام اعمال دینی دچار تزلزل شوند و یا به کلی عمل خود را رها کرده، از گذشته خویش نادم شوند و با خود چنین بیندارند که اگر دین، صلاحیت پیروی را داشت، می‌بایست متولیان دین بدان پای‌بند باشند. (شکوهی، ۱۳۸۴، ۲۵۲)

۳-۳. بحران

ایجاد بحران در انسان او را از حالت اعتدال و عقلانیت خارج می‌کند و گاهی تصمیماتی از او سر می‌زند که از روی احساسات و فشارهای درونی یا بیرونی است. در شرایط بحرانی، علاوه بر این که خود بحران، در گرایش به بی‌دینی تأثیر دارد، انتظارات نابخردانه افراد از دین نیز می‌تواند موجب تشدید خروج از دین گردد.

در این قسمت، چهار بحران از میان علل گریز از اسلام احصاء شده است:

۳-۳-۱. بحران عاطفی

بحران‌های گوناگون در زندگی، مثل طلاق یا فوت والدین، اختلافات خانوادگی، کمبود محبت، شکست‌های عشقی و... می‌تواند فرد را در فشارهای روحی شدیدی قرار دهد و قدرت تصمیم‌گیری عاقلانه را از او سلب نماید. در این حالات، احساسات بر او غلبه کرده و دنبال یک مکان یا یک دوست یا یک تغییر است که آرامش را به او برگرداند؛ بنابراین گاهی اوقات فکر می‌کند که با تغییر دین می‌تواند به آرامش برسد. متأسفانه ادیان تبشیری در این موارد خیلی کار کرده‌اند و از این بحران‌های عاطفی برای گرایش افراد به فرقه یا دین انحرافی خویش، نهایت استفاده را می‌نمایند؛ ولی نکته قابل توجه، تسکینی بودن راهکارهای آنان است که بعد از مدتی اثر خود را از دست می‌دهد.

۳-۳-۲. بحران هویت

خودکم‌بینی از دیگر بحران‌های درونی است که بعضاً موجب گرایش فرد به ادیانی می‌شود که در کشورهای توسعه‌یافته وجود دارد. گاهی فرد فکر می‌کند که علّت پیشرفت آن کشورهای مسیحی یا یهودی‌نشین و عقب‌ماندگی کشورهای اسلامی به خاطر مذهب و دین‌شان است و



در فرآیند تحقیر خود و دینش، با تأسی به ادیان آنان به دنبال جبران کمبودهای هویتی خود می‌باشد. دقیقاً شبیه همان مشکلی که رضاشاه پهلوی داشت و در سفر به ترکیه، علت پیشرفت آن کشور را خروج زنان و مردان‌شان از محدودیت‌های دینی می‌دانست. وقتی جوان در محیط‌های مختلف اجتماعی در مقابل شبهات و الفانات فکری مکاتب و فلسفه‌های مختلف قرار بگیرد و جواب منطقی نداشته باشد، برای حفظ غرورش ناگزیر است خود را بیگانه با مذهب معرفی کند و با این روش بر احساس حقارت و احساس ناتوانی خود در مقابل دیگران سرپوش گذاشته و اندک اندک به نفی مذهب کشیده می‌شود. (اکبری، ۱۳۹۲، ۱۰۱)

۳-۳-۳. بحران القاء

یکی دیگر از مواردی که منجر به بروز بحران می‌شود و فرد را دچار بی‌ثباتی و آشفتگی درونی می‌کند، تحمیلی‌بودن آموزه‌های دینی است. گاهی اوقات والدین به دلیل ناآشنایی با راهکارهای تربیتی موجب انزجار فرد از دین می‌شوند؛ به‌طور مثال، فرزندشان را به زور و با نیش زبان برای نماز صبح بیدار می‌کنند یا در صورت عدم انتخاب چادر برای پوشش، او را لگه‌تنگ خانواده می‌دانند. گاهی یک مدیر یا معلم مدرسه، سخت‌گیری‌های غیرمنطقی درباره مناسک دینی دارد و همین امر، دانش‌آموزان را از دین دور می‌کند. امیرمؤمنان علیه السلام می‌فرماید: زیاده‌روی در ملامت و سرزنش، آتش لجاجت را شعله‌ورتر می‌سازد. (تمیمی، ۱۴۱۰، ۹۴)

بنابراین ممکن است فشارهای بی‌جا یا اجبار به انجام مناسک دینی یا سرزنش‌های مکرر، موجب اسلام‌گریزی شود. از این رو پیامبر عظیم‌الشان اسلام صلی الله علیه و آله چنین فرمودند: «این دین (اسلام) استوار و دور از هر نوع تکلف است. با ملایمت وارد آن شوید. عبادت‌های خدا را بر بندگان خدا ناخوش نسازید؛ در این صورت بسان آن سوارکار کُندرو خواهید بود که نه به مقصد رسیده و نه مرکبی باقی گذارده است.» (کلینی، ۱۴۰۷، ۲، ۸۶)

۳-۳-۴. بحران اقتصادی

یکی از آن بحران‌های سخت، معضل اقتصادی و فقر است. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «فقر ممکن است انسان را به کفر بکشاند.» (کلینی، ۱۴۰۷، ۳۰۷)

اگر این پدیده با حکومتی از جنس اسلام نیز تلفیق شود، منجر به دوری از دین و گرایش به بی‌دینی یا تغییر دین می‌شود. از آن طرف، اگر مبلغان ادیان دیگر درصدد رفع این مشکلات باشند، شرایط گذار از اسلام و رهیافت به ادیان دیگر کامل فراهم می‌شود. شهید صدر درباره



فعالیت یسوعی‌ها (فرقه‌ای مذهبی از مسیحیت کاتولیک) در لبنان و شیوه تبلیغ مهندسی‌شده آنان چنین می‌گوید: «ایشان (یسوعی‌ها) برای این‌که به مردم نزدیک شوند، آمدند و مؤسسه‌ای درست کردند که در حقیقت، صبغه فرهنگی داشت. دانشگاه تأسیس کردند، مدرسه درست کردند و کشیش‌هایی تربیت کردند که غیر از کشیش‌بودن، وکیل عدلیه هم هستند؛ مهندس، طبیب، معلم، استاد دانشگاه، فیزیک‌دان و شیمی‌دان هم هستند و هكذا. تمایز اینها با مردم عادی فقط یک یقه سفید است، و الا لباس‌شان عیناً لباس عادی است. کارشان هم اداره امور بیمارستان‌ها، دانشگاه‌ها، مدارس حرفه‌ای، دارالایتام‌ها و درمانگاه‌هاست.

طبیعی هست در نهایت دقت و مهارت؛ در عین حال کشیش هم هست. اگر برای شما عرض کنم که روبرت کچ، کاشف میکروبو سل، کشیش بوده است، تعجب نکنید. اگر عرض بکنم که بسیاری از کاشفین نظریات جدید کشیش بوده‌اند، تعجب نکنید. یکی از اینها همین کشیش بلژیکی لومتر است که اصل توسعه عالم را کشف کرد؛ که عالم دائماً گسترده‌تر می‌شود. همین نظریه‌ای که با آیه کریمه ﴿وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ﴾ (ذاریات: ۴۷) منطبق است؛ یعنی عالم در حال توسعه است. این نظریه‌ای که در قرآن به آن اشاره شده است، توسط یک کشیش بلژیکی به نام لومتر طرح شد. با اینکه کشیش است؛ اما اطلاعات کیهانی او به قدری زیاد است که نظریاتش مورد اقتباس همه دانشمندان است. یعنی شما در میان طبقه کشیش‌ها می‌توانید طبیب‌های خوب، مخترع‌های بنام، فیزیکدان‌های خیلی مهم، شیمیدان‌های خیلی مهم، وکلای عدلیه معروف، و ریاضی‌دانان برجسته بیابید. اینها با این اوصاف چکار کردند؟ آمدند و مجاری امور را به دست گرفتند. همان مجاری الاموری که بر اساس اخبار و احادیث ما باید به دست العلماء بالله باشد. این مجاری امور را به دست گرفتند. مهندس، طبیب، وکیل عدلیه، ریاضی‌دان، فیزیک‌دان و... آن وقت خدا می‌داند که اینها در مؤسسه‌هایشان چه می‌کنند. تصور نکنید که صریحاً تبلیغ مسیحیت می‌کنند. هرگز؛ بلکه با علم، با اخلاق و با روش مردم‌داری، مردم را جذب می‌کنند.» (صدر، ۱۳۴۴)

۳-۳-۵. تحقیق

برخی واقعاً در پی یافتن حقیقت هستند و از سر خود آگاهی و به دور از فضای احساسی، بحرانی و اغوای دشمنان به تحقیق پرداخته و در نهایت هر چند به اشتباه، به حقانیت دین دیگری می‌رسند. این افراد معذورند و کسی نمی‌تواند بگوید این قطع و یقینت را کنار بگذار و



یقینی که من می‌گویم را بپذیر؛ زیرا قطع و یقین حجیت ذاتی دارند.

۴. حکومت و راهکارهای پیشگیرانه اجتماعی

برای جلوگیری از اسلام‌گریزی و ارتداد در جامعه اسلامی، راهکارهای زیادی وجود دارد که می‌تواند توسط افراد و نهادهای مختلف، مثل خانواده، سمن‌های مردمی و ... صورت پذیرد؛ ولی در این نوشتار به راهکارهایی اشاره خواهد شد که حکومت می‌تواند در سیاست‌گذاری‌های کلان خود لحاظ نموده و عوامل اسلام‌گریزی را کاهش دهد.

۴-۱. ارجحیت پیشگیری اجتماعی بر پیشگیری وضعی

پیشگیری وضعی از جرم به واسطه زود بازده بودن، مورد استقبال فزاینده نظام‌های حقوقی در اکثر کشورها قرار گرفته است؛ ولی ماهیت پیشگیری اجتماعی و برنامه‌های مرتبط با آن به نحوی است که دیربازده و در بادی امر، نیازمند سرمایه‌گذاری و اختصاص بودجه‌های کلان است. بر این اساس دولت‌ها به تأمین مالی برنامه‌ها در حوزه پیشگیری اجتماعی به دید هزینه و نه سرمایه‌گذاری نگاه می‌کنند. این امر باعث می‌شود که سیاست‌گذاران، سیاستمداران و دولت‌ها که از یک سو به برنامه‌های نتیجه‌گرا در کوتاه‌مدت، و از سوی دیگر به مداخله کمینه دولت در اقتصاد گرایش دارند، با نادیده گرفتن عمده‌اند و آگاهانه حقوق بنیادین، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی شهروندان، اصالت را به سود بدهند و انسان، کرامت انسانی و حیات کرامت‌مند شهروندان را در پای منافع اقتصادی قربانی کنند. امروزه شاهدیم که پیشگیری اجتماعی از جرم به حاشیه رانده شده و پیشگیری وضعی در اکثر حوزه‌ها بر صدر نشسته است.

(قماش و عارفی، ۱۳۹۶، ۸۶-۸۷)

این یکی از مشکلات اساسی حکومت اسلامی است که در حال حاضر، اهتمام کافی در امور سیاست‌گذاری عمومی به‌ویژه سیاست جنایی، به پیشگیری اجتماعی نداشته و سیاسی‌کاری احزاب سیاسی در قدرت و تمرکز بر طرح‌های زودبازده، موجب شده است امور اساسی و زیربنایی به حاشیه برود.

۴-۲. تغییرات بنیادین در نظام آموزشی کشور

همان‌طور که بیان شد، ارتداد نتیجه تغییر فکر است و آموزش امور دینی شهروندان، یکی از وظایف ذاتی حکومت می‌باشد؛ بنابراین نهادهای آموزشی کشور که تحت سیطره حکومت



اسلامی مشغول فعالیت هستند، وظیفه اساسی تولید فکر را برعهده دارند و آنها هستند که موظفند به عنوان مهم‌ترین سنگر آموزشی، آموزه‌های اسلام را به فرزندان این کشور آموزش دهند. بنابراین، راهکارهای زیر برای دو نهاد مهم وزارت آموزش و پرورش و وزارت علوم و تحقیقات پیشنهاد می‌شود:

۴-۲-۱. تغییر سیستم آموزشی کشور از «حفظ‌محوری» به «فهم‌محوری»

متأسفانه عمده تلاش مدارس و دانشگاه‌های کشور بر حفظ‌محوری است و اهمیاتی بر فهم‌محوری ندارند. بسیاری از جوانان کشور هستند که مباحث عدیده دینی را در طول دوران تحصیل از پیش‌دستان تا دانشگاه خوانده‌اند؛ ولی در زندگی فعلی آنان اثری نداشته و اصلاً یک خط از آن معارف در ذهن‌شان باقی نمانده است. چرا؟! اگر مقوله دین در همه این سال‌ها برای دانش‌آموز و دانشجو، خوب حلّاجی شود و به جای حفظ‌کردن و تست‌زدن، آن را با جان و دل بفهمد؛ هرگز گرایش به ادیان دیگر یا بی‌دینی پیدا نمی‌کند.

۴-۲-۲. تأسیس نهادی مجزا و حرفه‌ای برای تربیت معلّمان و اساتید معارف دینی

همان‌طور که در قسمت بحران القاء بیان شد مواردی از اسلام‌گریزی‌ها به تدریس‌های نادرست اساتید این دو نهاد باز می‌گردد. متأسفانه وجود اساتید نابلد در کلاس‌داری، نامسلط بر محتوای درسی، بعضاً بداخلاق و عبوس و ندرتاً منحرف العقیده در مدرسه و دانشگاه، موجب طرد دانش‌آموزان و دانشجویان از علوم دینی می‌شود. بنابراین، حکومت اسلامی وظیفه دارد در راستای ترویج وسیع و صحیح معارف اسلامی نهادی مستقل از دانشگاه تربیت معلّم و تربیت مدرس بنا کند تا بهترین و ماهرترین اساتید را برای گرایش جوانان و نوجوانان مدرسه و دانشگاه به دین تربیت نماید.

۴-۲-۳. کارگاهی نمودن دروس اسلامی

به زعم بسیاری از مردم وقتی بحث از معارف اسلامی می‌شود، آمدن اسم کارگاه کنار آن، خنده‌دار می‌نماید؛ ولی واقع این است که آنها فهم و تصویری نادرست از اسلام دارند. حضور در حوزه‌های علمیه و آشنایی با زندگی محصلان علوم دینی، سفر به کلیسا، دیر، کنیسه و صومعه و بیان انحرافات آنان، دعوت از مستبصران و ... جنبه‌های کارگاهی علوم اسلامی است که می‌تواند عمق این معارف را بیشتر نماید و خاطره‌ای جدّاب در ذهن آنان رقم بزند. ایجاد فضایی برای بیان انتقادهای سالم در



راستای برون‌ریزی شبهات دینی از جمله اموری است که جنبه کارگاهی دارد. به‌خصوص در دانشگاه این فضا باید به دور از هرگونه ترس، پیگیری و برجسب‌زنی وجود داشته باشد، تا دانشجو بتواند با خیالی آسوده، شبهات درونی خود را بیرون بریزد و اساتید این جلسات نیز با دو شاخصه صمیمیت و منطق، پاسخگوی آنان باشند. یکی دیگر از امور کارگاهی، برگزاری جلسات مناظره میان فرق و ادیان است. شاید این جلسات به جهت وجود هیجان بالا، مورد استقبال مخاطبان قرار بگیرد و اثرات عمیقی بر اعتقاد آنان داشته باشد.

۳-۴. تقویت جایگاه امر به معروف و نهی از منکر

از جمله ساختارهای مهم کنترل اجتماعی که می‌توان از آن به عنوان کنترل غیررسمی یاد کرد، امر به معروف و نهی از منکر است. از نظر دین مبین اسلام، افراد جامعه در قبال یکدیگر مسئول بوده و وظیفه مراقبت و نظارت اجتماعی را بر عهده دارند. از این نهاد تحت عنوان دفاع اجتماعی در مقابل دفاع فردی که همان دفاع مشروع است نام می‌برند. (فیض، ۱۳۸۱، ۳۳۸)

امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «امر به معروف و نهی از منکر، شیوه انبیا و پیشه صلحا و فریضه بزرگی است که دیگر واجبات بر آن استوار می‌باشد، کسب و کارها حلال، نظام بر طرف و زمین آباد می‌گردد. (کلینی، ۱۴۰۷، ۵، ۵۶)

امر به معروف و نهی از منکر در جرایمی، مثل ارتداد که رابطه مستقیم با نظم عمومی دارد، قدرت پیشگیری بالایی خواهد داشت؛ چون فرد دین‌گریز خود را در مقابل هجمه عظیمی از تذکرات می‌بیند که این خود یک عامل بازدارنده می‌باشد. البته این امر، شرایط و ظرافت‌هایی دارد که باید به اهلش واگذار شود؛ ولی بدون شک، وجود چنین پتانسیل اجتماعی به عنوان یک سرمایه عظیم برای حکومت، می‌تواند عاملی قدرتمند در کاهش این جرم باشد.

۴-۴. عملکرد اسلامی مسئولان

استاد مطهری در این باره می‌گوید:

«هیچ چیز، بشر را بیشتر از عمل تحت تأثیر قرار نمی‌دهد. شما می‌بینید مردم از انبیا و اولیا زیاد پیروی می‌کنند؛ ولی از حکما و فلاسفه آن قدرها پیروی نمی‌کنند؛ چرا؟ برای اینکه فیلسوف فقط می‌گوید؛ فقط مکتب دارد؛ فقط تئوری می‌دهد؛ اما در گوشه حجره‌اش نشسته است. هی کتاب می‌نویسد و تحویل مردم می‌دهد؛ ولی انبیا و اولیا، تنها تئوری و فرضیه ندارند؛ عمل هم دارند. آنچه می‌گویند اول عمل می‌کنند؛ حتی این طور نیست که اول بگویند،



بعد عمل کنند. اول عمل می‌کنند؛ بعد می‌گویند. وقتی انسان بعد از آنکه خودش عمل کرد، گفت؛ آن گفته اثرش چندین برابر است.» (مطهری، ۱۳۹۲، ۱۰۶)

بنابراین، از مهمترین اقدامات پیشگیرانه برای جلوگیری از اسلام‌گریزی شهروندان، تطبیق عمل مسئولان با آموزه‌های اسلامی است. پس مسئولان حکومتی علاوه بر مراقبت‌های نفسانی، باید راه را برای حضور افرادی باز کنند که علاوه بر تخصص، تقوا و مراقبه نفسانی هم دارند. هرچند بروز عارضه نفاق کار را سخت کرده است؛ ولی اهتمام به این امر و نیز رصد لحظه‌ای مسئولان و برخورد قاطع با آنان می‌تواند نقص‌های احتمالی را جبران نماید.

۴-۵. تربیت مبلغ

از جمله اموری که از دیرباز توانسته نقش مؤثری بر دین‌داری مردم داشته باشد، تبلیغ مبلغان دینی به صورت سینه به سینه در مناطق گوناگون کشور است. هرچند این امر هنوز در حال اجراست؛ ولی متأسفانه مورد توجه ویژه حکومت نبوده؛ یعنی به میزان اهمیت آن، بدان توجه نشده است. به لحاظ افزایش جمعیت، تربیت مبلغان کافی نبوده و بسیاری از روستاها و شهرستان‌ها از داشتن یک عالم دینی ثابت محروم‌اند. در کلان‌شهرها نیز این معضل وجود دارد. بنابراین راهکارهای زیر می‌تواند در این حوزه گره‌گشا باشد:

۴-۵-۱. تسهیل‌گری

ارتداد از جرایمی است که مربوط به حوزه فرهنگ می‌شود و فرهنگ به وسیله ابلاغیات شکل نمی‌گیرد؛ بنابراین فقط باید راه را برای نهادهای مردمی فعال در این حوزه هموار و تسهیل نمود. تقویت و ایجاد جاذبه در نهادهای تبلیغی، مهمترین وظیفه حکومت در عرصه پیشگیری اجتماعی از انحرافات دینی است.

۴-۵-۲. تبلیغات برون‌مرزی

از طرفی تبلیغات برون‌مرزی، فی‌نفسه از اهمیت بالایی برخوردار است که نیاز به مبلغان کارکشته‌تر برای تبلیغ میان شیعیانی است که در کشورهای دیگر مشغول زندگی هستند و احتمال انحطاط آنان در محیط‌های آلوده آن کشورها می‌رود.

۴-۵-۳. مبلغان بدون یونیفرم

راهکار دیگری که پیشنهاد می‌شود تربیت مبلغانی است که المان‌های ظاهری علمای دین را



ندارند. با توجه به پیش فرضی که از عالمان دینی در ذهن برخی از مردم وجود دارد و مانع از این می‌شود که پای جلسات آنان بیایند، می‌توان با تربیت مبلغانی بدون لباس فرم، این مشکل را حل نمود. این راهکار نافعی پوشیدن لباس شریف روحانیت برای علاقه‌مندان نیست.

۶-۴. تبلیغات نوین

امروزه بسیاری از شبهات و انحرافات از طریق رسانه و فضای مجازی افسارگسیخته القا می‌شود. در گذشته، امکان دسترسی به کتب ضالّه و مطالب انحرافی سخت بود؛ ولی در حال حاضر هر فردی می‌تواند به راحتی در گوشی همراه خود به همه این انحرافات دسترسی داشته باشد. بنابراین، ورود و حضور حکومت در این عرصه، یک امر ضروری است.

راه‌اندازی شبکه ملی اطلاعات و تقویت فضای مجازی داخلی، حضور پررنگ و قدرتمند نهادهای فرهنگی در عرصه رسانه‌ای و فضای مجازی برای آموزش‌های عمیق و پاسخگویی به شبهات در قالب‌های به‌روز و جدید، ایجاد مراکزی برای آموزش و تربیت مبلغان دینی که شناخت و مهارت بالایی در فضای مجازی دارند و نیز ترویج کتاب‌خوانی و تسهیل در دسترسی به کتاب، از جمله اموری است که می‌تواند از ارتداد و دین‌گریزی پیشگیری نماید.

۷-۴. رفع فقر

ارتداد و دین‌گریزی به عنوان بارزترین معضل اجتماعی در حکومت اسلامی، رابطه تنگاتنگی با فقر دارند. در روایات آمده است: «فقر حتماً پربشانی برای نفس، سرگردانی برای عقل و جلب غصّه‌ها را به همراه خودش دارد.» (لثی، ۱۳۷۶، ۱۴۹)؛ «فقر، لبه پرتگاه کفر قرار دارد.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۷۵، ۱۲)؛ «همانا فقر، دین انسان را ناقص و عقل را سرگردان می‌سازد و عامل دشمنی است.» (همان، ۶۹، ۵۳) و «آن‌کس که به فقر مبتلا شود، به چهار خصلت مبتلا شده است: به ضعف در یقین و کاستی در خرد و سستی در دین و اندک‌شدن حیا و آبرو؛ بنابراین از فقر به خداوند پناه می‌برم.» (همان، ۶۹، ۴۸)

بنابراین حکومت اسلامی وظیفه دارد با فقر به عنوان یکی از قَطّاع طریق دین‌داری، مبارزه نماید. نگاه مسئولان حکومتی به مقوله فقر نباید صرفاً اقتصادی باشد و جایگاه آن را به مسایل مادی تنزّل دهند. اگر شهروندان مایحتاج اولیه زندگی خویش را داشته باشند، شرایط برای رشد معنوی و علمی آنان فراهم‌تر است؛ ولی اگر بی‌کاری گسترده و بی‌امنی شغلی وجود داشته باشد و برای گذران زندگی مجبور باشد چندجا کارکنند، اولاً وقتی ندارند که برای ارتقا دین خود



بگذارند و ثانیاً اعتماد خود را به حکومت اسلامی و آموزه‌های اسلامی از دست می‌دهند.

۸-۴. رفع تبعیض و بی‌عدالتی

بنای برپایی حکومت‌ها مخصوصاً از نوع اسلامی آن، در جهت جلوگیری از تبعیض است. به همین خاطر گفته شده است که: «الْعَدْلُ قِوَامُ الرَّعِيَّةِ.» اگر بنا باشد حکومتی با یدک کشیدن اسم اسلام، به جای رفع تبعیض و بی‌عدالتی در عمل، مجری تبعیض باشد؛ موجبات دین‌گریزی شهروندان خود را رقم زده و تیشه بر ریشه اعتقادات شهروندان خویش زده است. به همین سبب، امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمودند: «حسرت‌دارترین مردم در روز قیامت، آن کسی است که سخن از عدالت بگوید و آن را برای مردم توصیف کند؛ ولی خودش به عدالت، رفتار نکند.» (کلینی، ۱۴۰۷، ۲، ۲۹۹)

رشد ارزش‌های اجتماعی در گرو اجرای عدالت است و از بین رفتن آن نیز در گرو پایمال نمودن عدالت است. بنابراین رفع تبعیض و بی‌عدالتی‌ها در حکومت اسلامی، از جمله اموری است که می‌تواند موجب کاهش جرایم گوناگون به‌ویژه ارتداد و دین‌گریزی گردد.

نتیجه‌گیری

پیشگیری از جرم، رویکرد کنونی و اولویت‌دار بسیاری از نظام‌های حقوقی پیشرفته است. هزینه‌های پیشگیری به مراتب کمتر از هزینه‌های دادرسی و اعمال مجازات است. از میان انواع پیشگیری از جرم، پیشگیری اجتماعی، رویکردی بنیادین و درونی دارد که به دنبال حلّ مسأله جرم از درون شهروندان می‌باشد؛ ولی نیاز به زمان و تلاش بیشتری از سوی حکومت‌ها دارد.

ارتداد یکی از جرم‌هایی است که به صورت مستقیم و صریح در قانون جمهوری اسلامی ایران جرم‌انگاری نشده است؛ ولی با استناد به اصل ۱۶۷ قانون اساسی و رجوع به متون فقهی، جرم‌انگاری آن در اسلام، مسلم است. البته مرتد تا زمانی که ارتداد خویش را علنی نکند و از استثنائات آن نباشد، مجرم نیست.

حکومت اسلامی وظیفه دارد هم بُعد مادی زندگی شهروندان خویش را تأمین نماید و هم بعد معنوی و اخروی آنان را؛ همان‌گونه که برای سلامتی جسمی شهروندان خویش تلاش می‌کند، باید اهتمام بیشتری برای سلامت روحی و دین‌داری آنان داشته باشد. بدین معنا که زمینه را برای انتخاب عاقلانه دین اسلام و انجام دستورات آن فراهم نماید و از انحرافات و شبهات پیش روی شهروندان جلوگیری نماید.



با توجه به اینکه ارتداد جزء جرم‌هایی است که ریشه در ذهن و اعتقادات فرد دارد، پس پیشگیری اجتماعی بر پیشگیری وضعی و کیفری ارجحیت دارد. در پیشگیری اجتماعی با سلسله‌ای از اقدامات آموزشی، فرهنگی و اجتماعی مواجه هستیم که فرد را از لحاظ ذهنی مجاب می‌کند که اسلام دین صحیحی است؛ بنابراین با تغییر درونی، از تغییر دین جلوگیری می‌نماید. سیاق اسلام در مواجهه با انحرافات اعتقادی همواره استفاده از پیشگیری اجتماعی به عنوان اولین و مؤثرترین راه بوده است و سعی دارد با آموزش‌های دقیق و براهین مستدل، فرد را به افناع ذهنی برساند که آنچه پیش روی اوست بهترین و والاترین مسیر سعادت است. برای پیشگیری از هر جرمی، باید علل و مناشی آن را شناخت. جرم ارتداد، علل گوناگونی دارد و ممکن است در یک فرد، چند علت یا تنها یک علت اثر بگذارد و او را دچار دین‌گریزی و ارتداد نماید. این علل در چهار دسته کلی قرار می‌گیرند که عبارت‌اند از:

۱. جهل مرتد و اغواگری معاندین؛

۲. مشکلات ناشی از اسلام‌گرایی؛

۳. بحران؛

۴. تحقیق.

حکومت اسلامی به عنوان فراهم‌کننده شرایط مناسب برای شهروندان خویش در راستای فراگیری صحیح دین، موظف است در قبال ارتداد، دین‌گریزی و انحرافات دینی شهروندان، واکنش‌های دقیق و به‌موقع داشته باشد تا از گسترش این جرایم مهلك جلوگیری نماید؛ بنابراین راهکارهای پیشگیرانه زیر در سطح حکومتی با محوریت پیشگیری اجتماعی پیشنهاد می‌شود:

الف) ارجحیت پیشگیری اجتماعی بر پیشگیری وضعی؛

ب) تغییرات بنیادین در نظام آموزشی کشور؛

ج) تقویت جایگاه امر به معروف و نهی از منکر؛

د) عملکرد اسلامی مسئولان؛

هـ) تربیت مبلّغ؛

و) تبلیغات نوین؛

ز) رفع فقر؛

ح) رفع تبعیض و بی‌عدالتی.



فهرست منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه (تصحیح صبحی صالح).
۱. ایازی، سید محمدعلی (۱۳۹۶ش). مبانی کلامی (امام خمینی و حکومت اسلامی)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۲. بابایی، محمدعلی، نجیبیان، علی (۱۳۹۰ش). «چالش‌های پیشگیری وضعی از جرم». مجله حقوقی دادگستری، شماره ۷۵، ص ۱۴۷-۱۷۲.
۳. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ق). غرر الحکم و درر الکلم، قم: انتشارات دارالکتب الإسلامی.
۴. حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعة. قم: انتشارات مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۵. حسینی زبیدی، محمد مرتضی (۱۴۱۴ق). تاج العروس من جواهر القاموس. بیروت: مؤسسه دارالفکر.
۶. حسینی، سید ابراهیم (۱۳۸۲ش). «ارتداد در آینه فلسفه حقوق اسلامی». مجله معرفت، شماره ۶۹.
۷. خوانساری، آقا جمال (۱۳۶۶). شرح آقا جمال خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۸. رسایی، محمد (۱۳۹۲ش). «بررسی ارتداد در مذاهب اسلامی». مجله جبل المتین، شماره پنجم، ص ۱۴۱-۱۶۵.
۹. سید هاشمی، حسین (۱۳۸۴). آزادی و ارتداد. تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۰. شکوهی، علی (۱۳۸۴ش). عوامل و ریشه‌های دین‌گریزی از منظر قرآن و حدیث. قم: بوستان کتاب.
۱۱. صادقی‌پور، محمد؛ نقیبی، سید ابوالقاسم (۱۳۹۸ش). «نقش خانواده در پیشگیری از جرایم اطفال و نوجوانان در فقه و حقوق ایران». پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید مطهری تهران.
۱۲. صدر، سید موسی (۱۳۴۴ش). سخنرانی در ۷ مهر ۱۳۴۴ در دارالتبلیغ اسلامی قم (جزوه امام موسی صدر در زمینه کار تشکیلاتی در سایت www.imam-sadr.com)
۱۳. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۸ش). ترجمه تفسیر المیزان فی تفسیر القرآن. تهران: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۴. فیض، علیرضا (۱۳۸۱ش). مقارنه و تطبیق در حقوق جزای اسلامی. تهران: وزارت فرهنگ و انتشارات اسلامی.
۱۵. قائمی، علی (۱۳۶۶ش). آسیب‌ها و عوارض اجتماعی. تهران: انتشارات امیری.
۱۶. قماش، سعید؛ عارفی، مرتضی (۱۳۹۶ش). «موانع سیاسی و اقتصادی پیشگیری اجتماعی از جرم». مجله آموزه‌های حقوق کیفری، شماره ۱۳، ص ۸۵-۱۱۳.
۱۷. کبری، محمود (۱۳۹۲ش). مذهب‌گرایی و مذهب‌گریزی جوانان. تهران: انتشارات فتیان.
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی. تهران: دارالکتب الإسلامیة.
۱۹. ماوردینی، محمد حسین (۲۰۰۲م). الحرية و الدین. نشر البلاغ.



۲۰. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۲۱. محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۷۵ش). ارتداد دائرة المعارف بزرگ اسلامی. تهران: بنیاد دایرةالمعارف اسلامی.
۲۲. مطهری، مرتضی (۱۳۷۷ش). سیری در سیره نبوی. تهران: انتشارات صدرا.
۲۳. _____ (۱۳۸۳ش). انسان و سرنوشت. تهران: انتشارات صدرا.
۲۴. _____ (۱۳۹۲ش). حماسه حسینی. تهران: انتشارات صدرا.
۲۵. معین، محمد (۱۳۸۱ش). فرهنگ فارسی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۲۶. موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم (۱۴۱۳ق). فقه الحدود و التعزیرات. قم: انتشارات مکتب امیر المؤمنین علیه السلام و دارالعلم.
۲۷. موسوی بجنوردی، سید حسن (۱۳۸۴ش). القواعد الفقهیة، تصحیح محمد درایتی و مهدی مهریزی، قم: دلیل ما.
۲۸. نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام. بیروت: دار الإحياء التراث العربی.
۲۹. نوری، حسین (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.